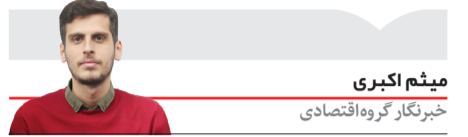




آمار از رکوردشکنی سرمایه‌گذاری خارجی خبر می‌دهد، ایران از موضع بالا وارد گفت‌وگو می‌شود

سرمایه‌گذاری خارجی ۱۴.۱ دو برابر سال برجام

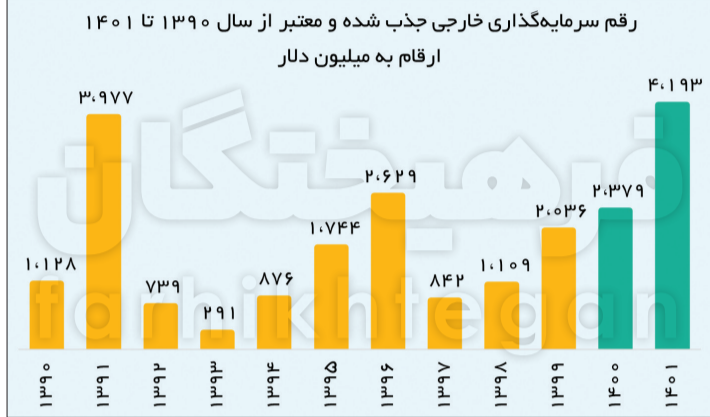
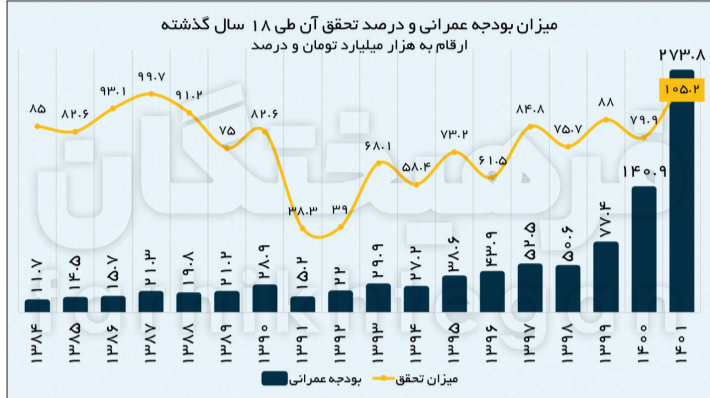


میتاخ اکبری
خبرنگار گروه اقتصادی

رشد و توسعه اقتصادی تابع لوازم و شرایطی است که بخش مهمی از آن به ارتباطات خارجی یا کشورهای دیگر برمی‌گردد. در این خصوص جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌واسطه آنکه تأمین مالی از منابعی غیرداخلی است، علاوه بر رفع نیاز داخلی می‌تواند زمینه‌ساز همکاری‌های بین‌المللی غیراقتصادی نیز گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد طی دهه ۹۰ سرمایه‌گذاری خارجی در کشور روند نامناسبی داشته تا رخدادهای نامطلوبی نظیر پیشی گرفتن نرخ اشتغال سرمایه از تشکیل سرمایه صورت پذیرد. در این خصوص آمارها نشان می‌دهد مجموع سرمایه‌گذاری خارجی مصوب کشور به ۶۹ میلیارد دلار رسید اما از این میزان، رقم ۲۲ میلیارد دلار وارد کشور شد. اما علی‌رغم وجود تحریم‌ها و مشکلات مربوط به آن، آمارها نشان می‌دهد میزان سرمایه‌گذاری نهایی واردشده به کشور در سال ۱۴۰۱ به ۴ میلیارد و ۱۹۳ میلیون دلار رسید که شاهد شکستن رکورد دهه ۹۰ است. از سوی دیگر این موضوع اثر خود را در شاخص‌های دیگری نشان می‌دهد. برای مثال میزان بودجه عمرانی محقق شده در سال ۱۴۰۱ برای اولین بار به بیش از صد درصد مقدار مصوب ۱۷۴ هزار میلیارد تومان رسید و با نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی ۹ ماهه سال ۱۴۰۱ به ۷۰٫۷ درصد رسید، درحالی‌که در بازه زمانی مشابه این میزان منفی ۵٫۲ درصد بود که رشد ۱۹٫۷ درصدی نرخ تشکیل سرمایه در بخش ماشین‌آلات در ۹ ماهه سال ۱۴۰۱ و با در نظر گرفتن سایر عوامل، می‌تواند در صورت پایداری شرایط و افزایش روابط بین‌المللی به بهبود سریع‌تر اقتصاد کمک کند.

رکوردشکنی تحقق ۳۰ ساله بودجه عمرانی

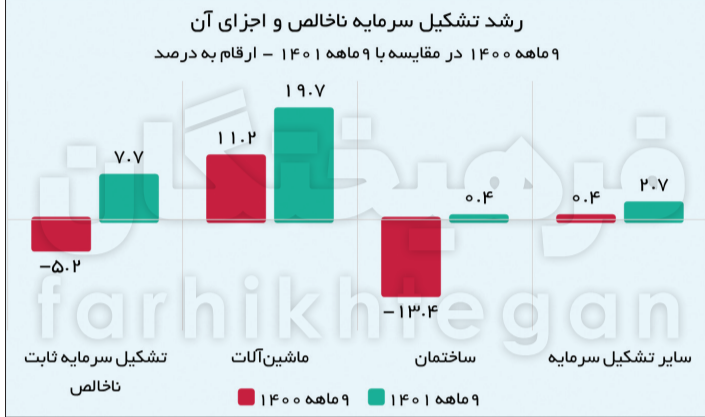
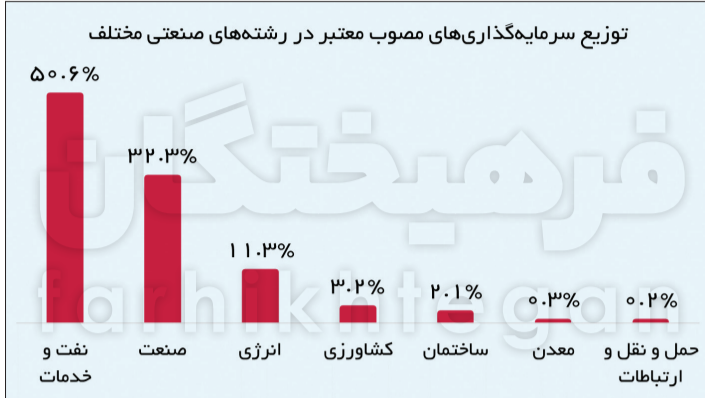
اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای یا همان بودجه عمرانی مهم‌ترین کانال حضور بخش عمومی در فرآیند سرمایه‌گذاری کشور بوده چرا که این طرح اصلی‌ترین کانال تزریق منابع بودجه‌ای در اقتصاد کشور در جهت گسترش ظرفیت‌های زیربنایی و تولیدی محسوب می‌شود که به‌نوبه خود می‌تواند توسعه اقتصادی و شاخص‌های کلان اقتصادی را در دوره‌های متوالی از تحت‌تأثیر خود قرار دهند و این سرمایه‌گذاری دولت موجب تحریک سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز می‌شود. نگاهی به ارقام و آمار حجم بودجه عمرانی کشور به‌عنوان موتور محرک بخش‌های مختلف تولید اقتصادی نشان می‌دهد اقدام تخصیص داده‌شده به بخش عمران و آبادانی طی سال‌های متدای همواره از رشد برخوردار بوده است اما نکته دیگر آن است که این ارقام تخصیص داده شده در سند بودجه آمده و با آنچه که روی زمین و اختصاص عملی اتفاق می‌افتد می‌تواند متفاوت باشد چرا که به سبب شرایط اقتصادی یا عوامل دیگری همچون شوک‌های بیرونی (تحریم و داخلی (کسری بودجه) در میزان تحقق این صرف‌فشار اثرگذار هستند. نگاهی به درصد تحقق بودجه عمرانی طی ۱۸ سال گذشته یعنی از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد میانگین تحقق بودجه عمرانی تقریباً ۷۷ درصد بوده که البته در میان سال‌های مختلف با فراز و فرودهایی همراه است که کمترین میزان تحقق طی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ که دوران اوج تحریم‌ها است، اتفاق افتاد و علی‌رغم اختصاص ۱۵۲ و ۲۲ هزار میلیارد تومان بودجه عمرانی، آنچه گویای عملکرد بوده حکایت از تحقق ۳۸ و ۳۹ درصدی



بودجه عمرانی دارد. اما بررسی میزان تخصیص و درصد تحقق بودجه عمرانی در طول دوره ۱۸ ساله گذشته نشان می‌دهد رکورد به سال ۱۴۰۱ می‌رسد که با اختصاص بودجه ۲۷۴ هزار میلیارد تومانی به بخش عمرانی که با رشد ۹۴ درصدی در تخصیص همراه بوده، درصد تحقق بیش از ۱۰۵ درصد را به ثبت رسانده است. به عبارت دیگر میزان تحقق بودجه عمرانی در سال ۱۴۰۱ به ۲۸۸ هزار میلیارد تومان می‌رسد که از لحاظ حجمی ۱۴ هزار میلیارد تومان بیشتر از حجم تخصیص یافته و ۵٫۲ درصد از لحاظ درصدی نسبت به سقف مقرر تحقق یافته است. همچنین روند اختصاص بودجه عمرانی و درصد تحقق آن در دولت‌های مختلف نشان دهنده آن است که میزان تحقق بودجه عمرانی در دولت محمود احمدی‌نژاد حدود ۷۶٫۲ درصد بوده و این نسبت در طول دوره ۸ ساله حسن روحانی از سال ۱۳۹۲ تا نیمه نخست ۱۴۰۰ به میانگین ۷۰ درصد می‌رسد. همچنین گزارش‌های آماری سازمان برنامه‌بودجه و مرکز پژوهش‌های مجلس نیز حکایت از آن دارد که تحقق ۱۰۵ درصدی بودجه عمرانی در ۳۰ سال اخیر یک رکورد به حساب می‌آید.

نفیس تازه در تشکیل سرمایه

تشکیل سرمایه در اقتصاد را می‌توان به‌عنوان عوامل مهم و کلیدی روند توسعه هر کشوری دانست چرا که نگاهی به اجزای نشان دهنده آن گویای آن است که ارزش ایجاد شده در این بخش تفاوت زیادی با سایر شاخص‌های توسعه‌ای دارد. به واقع در روند تشکیل سرمایه، علاوه بر تولید ارزش افزوده و ایجاد اشتغال از رهگذر آن، این سرمایه‌های انباشته شده خود به منبع مولد برای سرمایه‌گذاری‌های مجدد اما با رشد جهش‌وار منتهی می‌شوند



و می‌توان آن را زیرساخت توسعه‌ای سایر بخش‌های اقتصادی و غیراقتصادی دانست. از سوی دیگر در دسته‌بندی اقلام و کالاهای موجود در اقتصاد، می‌توان آنان را در سه طبقه مصرفی، واسطه و سرمایه‌ای طبقه‌بندی کرد که در این خصوص کالاهای سرمایه‌ای به‌عنوان محصولاتی که در ابتدای زنجیره هستند و زمینه‌ساز ایجاد کالاهای واسطه‌ای و مصرفی هستند نقش گسترده‌ای در زمینه تولید محصولات اقتصادی نیز ایفا می‌کنند. در این خصوص کالاهای سرمایه‌ای وارداتی یکی از اجزای مهم تشکیل سرمایه ثابت برحسب ماشین‌آلات و لوازم کسب‌وکار بوده که متأسفانه طی سال‌های اخیر و با وقوع پدیده شوم تحریم و ایجاد محدودیت‌های ارزی، مشکلاتی در راه واردات کالاهای سرمایه‌ای کشور ایجاد شده که بررسی‌های بیشتر که در ادامه خواهد آمد حاکی از کاهش فشارهای وارد بر بخش‌های متقاضی واردات کالای سرمایه‌ای دارد. در این خصوص مشاهده و بررسی روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالصی که متشکل از سه بخش ساختمان، ماشین‌آلات و سایر موارد تشکیل سرمایه بوده (شامل ارقام هزینه‌های تحقیق و توسعه، اکتشاف معادن، اشیای گرانبه‌ها و سایر اقلام) نشان دهنده آن است که طی ۹ ماهه سال ۱۴۰۰ منفی ۵٫۲ درصد بوده اما طی ۹ ماهه سال ۱۴۰۱ با رشد ۷٫۷ درصدی همراه بوده است.

رشد ۱۹ درصدی تشکیل سرمایه بخش ماشین‌آلات

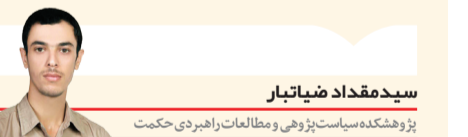
دغدغه تأمین منابع مالی همواره از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین دغدغه‌های فعالان اقتصادی بوده و در این زمینه، جذب سرمایه از خارج کشور جزء مواردی است که سهم بسزایی را در تقویت بنیه مالی و همچنین مرادوات اقتصادی ایفا می‌کند چرا که ورود سرمایه خارجی به معنای وجود اطمینان و امنیت در سرمایه‌گذاری

خارجی و دخیل کردن سرمایه‌گذاران خارجی در داخل کشور است و می‌تواند به تأمین زنجیره‌ای از خواسته‌های اقتصادی و سیاسی کمک کند. در این زمینه باید توجه داشت که میزان سرمایه‌گذاری خارجی که قرار بر ورود آن به داخل کشور است در دو دسته مصوب و معتبر قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر تأیید و تصویب سرمایه‌گذاری خارجی در هیات سرمایه‌گذاری در دسته سرمایه‌گذاری مصوب و ورود واقعی منابع مالی به طرح‌های اقتصادی در دسته سرمایه‌گذاری خارجی معتبر قرار می‌گیرد. در این زمینه نگاهی به آمار سرمایه‌گذاری خارجی مصوب و جذب شده و معتبر طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد گرچه بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ سالانه بین ۴ تا ۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی مصوب شده و در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۵ سرمایه‌گذاری خارجی مصوب (تصویب‌شده توسط هیات سرمایه‌گذاری خارجی) حتی از ۱۰ میلیارد دلار نیز فراتر رفته، اما آنچه برای کشور حائز اهمیت بوده سرمایه‌گذاری خارجی معتبر و جذب شده است که در این گزارش نیز منظور از سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده و معتبر است. بر همین اساس، درحالی‌که بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ مجموع سرمایه‌گذاری خارجی مصوب حدود ۶۹ میلیارد دلار بوده اما در این مدت رقم واقعی سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده و معتبر نزدیک به ۲۲ میلیارد وارد کشور شده است.

جذب ۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی در دولت سیزدهم

همچنین با نگاهی دیگر به روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌توان گفت طی تقریباً دو سال گذشته از آغاز به کار دولت سیزدهم و تا پایان فروردین سال جاری، تعداد ۴۰۱ طرح سرمایه‌گذاری خارجی به ارزش سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۰٫۸ میلیارد دلار شامل ۳۶۰ طرح جدید به ارزش ۱۰٫۳ میلیارد دلار و ۴۱ طرح افزایش سرمایه ذیل طرح‌های موجود به ارزش ۵۱۱ میلیون دلار به تصویب هیات سرمایه‌گذاری رسید. اما از نقطه نظر طرح‌های سرمایه‌گذاری خارجی مصوب باید گفت که از کل ۴۰۱ طرح سرمایه‌گذاری خارجی مصوب هیات سرمایه‌گذاری ۴۵ طرح به دلیل عدم ورود بخشی از سرمایه مصوب به کشور باطل شد و میزان سرمایه‌گذاری خارجی مصوب معتبر در دوره عملکرد دولت سیزدهم تا پایان اسفند ۱۴۰۱ تعداد ۳۵۶ طرح سرمایه‌گذاری خارجی به ارزش سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۶ میلیارد و پنجاه و یک میلیون دلار است. همچنین بررسی حوزه‌های ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی مصوب که دارای اعتبار و اجرا بوده‌اند نشان می‌دهد حدود ۵۱ درصد از کل این جریان مالی خارجی در بخش نفت و خدمات، ۳۲ درصد در بخش صنعت و ۱۱ درصد در بخش انرژی ورود داشته که مجموعاً ۹۴ درصد از کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی معتبر را تشکیل می‌دهد و مابقی این منابع در بخش‌های کشاورزی، ساختمان، معدن، حمل‌ونقل و ارتباطات حضور دارد.

یادداشت

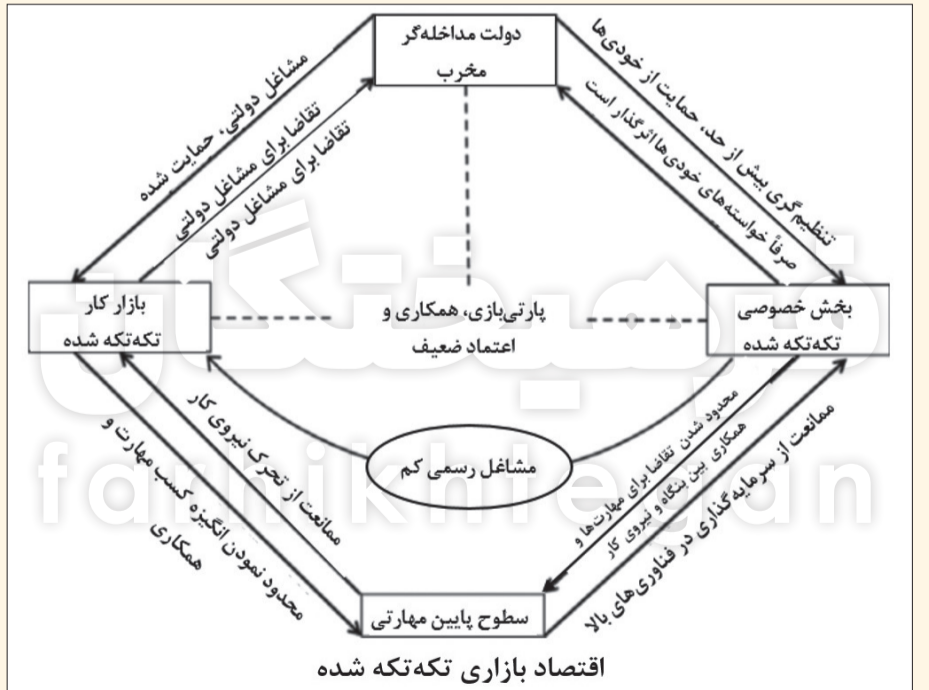


سیدمقداد ضیاعی
پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت

مطالعه سرگذشت سایر جوامع و به‌ویژه تاریخچه تحولات اقتصادی آنها می‌تواند برای یک پژوهشگر اقتصاد مفید و درس‌آموز باشد. این امر می‌تواند در کنار درکی که از علل تاریخی رخدادهای اقتصادی در سایر جوامع در ذهن پژوهشگر ایجاد می‌شود، وی را در فهم مسائل جاری کشور خودی و جست‌وجوی یافتن راه‌حل‌های مناسب نیز یاری‌رساند. این موضوع دقیقاً تجربه‌ای بود که به‌واسطه ترجمه کتاب «تلاش برای نجات اقتصاد اتحاد شوروی» بدان نائل شدم. ترجمه این کتاب من را با روایتی جدید، جذاب و متفاوت از واقع‌پژوهی‌های جماهیر شوروی آشنا کرد. روایتی که نشان می‌داد تصور رایجی که از فروپاشی جماهیر شوروی و نقش گورباچف در این فروپاشی در محافل مختلف وجود دارد چندان دقیق نیستند. این روزها اما در حال مطالعه و ترجمه کتاب دیگری هستم از جنس تبیین پویایی عملکرد ضعیف اقتصاد، این بار در جهان عرب. آنچه که در ادامه می‌آید شرح مختصری از محتوای این کتاب است.

استفن هرتوگ (Steffen Hertog) استاد مدرسه اقتصاد لندن و نویسنده کتابی با عنوان «دورانده از توسعه» خودی‌ها و غیرخودی‌ها در سرمایه‌داری عرب» است. وی در این کتاب درصدد است تا با بهره‌گیری از ادبیات انواع سرمایه‌داری (Varieties of Capitalism) تبیینی از پویایی اقتصاد سیاسی برخی از کشورهای عربی به دست دهد. ادبیات انواع سرمایه‌داری اشاره به این واقعیت دارد که نظام سرمایه‌داری در مناطق مختلف جهان الگویی ثابت و یکپارچه ندارد و در هر کشوری ممکن است نسخه‌ای خاص از آن در جریان باشد. نویسنده در این کتاب صرفاً به مطالعه هفت کشور اصلی عربی الجزایر، مصر، اردن، سوریه، مراکش، تونس و یمن می‌پردازد و آن دسته از کشورهای عربی که وفور منابع طبیعی دارند را به دلیل ساختار خاص ناشی از وابستگی به منابع طبیعی مستثنی کرده است. نویسنده در این کتاب نشان می‌دهد این توضیح که سیاست‌های نئولیبرالی شهروندان این کشورها را در معرض فقر و نابرابری قرار داده است از دقت لازم برخوردار نیست. در عوض، این مداخله عمیق دولت

خودی‌ها و غیرخودی‌ها در سرمایه‌داری عرب



اقتصاد بازاری تکه تکه شده

به آنها بی تفاوت هستند و در بدترین حالت آشکارا با آنها دشمنی می‌کنند. هرتوگ اعتقاد دارد نیروهایی که بنگاه‌های غیرخودی را کوچک و در فضای پرمخاطره نگه می‌دارند، در جهان عرب به‌طور غیرعادی قوی هستند. تقسیم‌بندی خودی-غیرخودی که توسط دولت در بازار کار و کسب‌وکارهای خصوصی، پویایی اقتصادهای عربی را تضعیف می‌کند، منجر به تخصیص نادرست منابع می‌شود و کاهش انگیزه بنگاه‌های بهبودی‌په‌رو و ارائه آموزش و انگیزه کارگران برای ارتقای سطح مهارت را در پی دارد. مشکل اصلی توسعه جهان عرب مسلمانا

در اقتصاد و توزیع نابرابر منابع و فرصت‌هاست که پویایی اقتصاد سیاسی این کشورها را توضیح می‌دهد. این مداخله به‌گونه‌ای بوده است که آحاد جامعه را به دو دسته خودی‌ها و غیرخودی‌ها تقسیم کرده است. خودی‌ها همان کارمندان دولت با حقوق و مزایای بالا و بنگاه‌های بزرگی هستند که روابط نزدیک با دولت دارند و سیاست‌های دولت را به‌گونه‌ای شکل داده‌اند که در نهایت منافع آنها تضمین شود. غیرخودی‌ها نیز اکثر قریب به اتفاق کسب‌وکارهای کوچک و اغلب غیررسمی هستند که در بازار کنترل نشده برای بقای خود (چه رسد به رشد) تقلا می‌کنند؛ چرا که نهاد‌های دولتی در بهترین حالت نسبت

دولت در اقتصاد کشورهای عربی، بی‌نفسه‌عملکرد اقتصادی را مختل نمی‌کند بلکه حضور بسیار ناکارآمد دولت علت اصلی عملکرد ضعیف اقتصادی است. در چنین اقتصادهایی تداوم حمایت از خودی‌ها هزینه‌بر است و اعمال اصلاحات اقتصادی و اجتماعی به سختی ممکن است. خودی‌ها منافع خود را در صورت وقوع اصلاحات از دست رفته می‌بینند و بنابراین مانع از انجام آن می‌شوند. به‌باور نویسنده کتاب، مشکل کشورهای عربی مورد مطالعه، نه‌بازاری شدن بیش از حد است (که چیزی‌ها بر آن تأکید دارند) و نه اقتصاد بازار کوچک (که نگاه نئولیبرالی بر آن تأکید دارد). مشکل اصلی، رفتار نامتوازن دولت در مواجهه با بازار است. به عبارت دیگر ریشه مشکلات این کشورها را باید در حمایت بی‌چون و چرا از خودی‌ها و طرد غیرخودی‌ها جست‌وجو کرد و مشکل اصلی‌فی نفسه حضور دولت در اقتصاد نیست، بلکه کیفیت حضور دولت است که اهمیت دارد. در مقام راحل نیز هرتوگ به نسخه‌ای از آزادسازی اقتصادی برابرگرایانه اعتقاد دارد؛ وضعیتی که در آن خودی‌ها برخی از مزایای خود را از دست می‌دهند و هم‌زمان غیرخودی‌ها از فرصت‌ها، مزایا، تحرک و حمایت اجتماعی بیشتری برخوردار می‌شوند.

خودی‌ها و غیرخودی‌ها در اقتصاد ایران

قصد تعمیم صد درصدی محتوای کتاب به اقتصاد ایران را ندارم. باور دارم هر اقتصاد قسه مختص به خود را دارد. اما در عین حال به نظر می‌رسد وضعیت توصیف‌شده از کشورهای عربی نکات قابل تأملی برای ما ایرانی‌ها دارد. اساساً علت اصلی مرور تجربه سایر کشورها نیز همین است. می‌توان ردپایی از خودی‌ها را در جریان سیاست‌گذاری مشاهده کرد. خودی‌ها در ایران از انجام هرگونه اصلاح و اهمه دارند. خودی‌ها یا مانع از اقدامات اصلاحی می‌شوند یا سیاست‌ها را به‌گونه‌ای شکل می‌دهند که عملاً خاصیت خود را از دست می‌دهند. اینکه گفته می‌شود مالیات بر عایدی سرمایه به ۹۹ درصد از مردم اصابت نمی‌کند احتمالاً نمودی از تأثیرگذاری آنها بر روند تصمیمات باشد. از سویی دیگر، از صدور بخشنامه‌های شتابزده و ناگهانی و اثر منفی آنها بر برنامه‌ریزی چندین ساله سرمایه‌گذاران، از تضعیف کسب‌وکارها و کاهش قدرت خرید خانوار شنیده‌ایم؛ اینها همان غیرخودی‌ها هستند.